



مدرسه علمیه اسلامی شناسی حضرت زهرا (سلام الله علیها)

شهرستان مشهد

عنوان مقاله:

تأثیر اخلاق در تحقق حماسه اقتصادی

گردآورنده:

معصومه سادات هاشمی

معاونت پژوهش سطح ۳ مدرسه علمیه اسلامی شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

پاییز ۱۳۹۲

چکیده

این مقاله با موضوع تأثیر اخلاق بر حماسه اقتصادی به رابطه اخلاق با اقتصاد می پردازد و در ادامه به بیان برخی عوامل تأثیر گذار بر حماسه اقتصادی ایمان، علم، معرفت و اخلاق است پرداخته و در انتها نقش اخلاق در اقتصاد را که ایجاد عدالت اجتماعی، اعتماد در سرمایه گذاری، کار خلاقیت و تولید و خودکفایی است را مورد بررسی قرار خواهد داد.

در صورت غفلت از اخلاق در امور اقتصادی جامعه به سوی فقر و فلاکت و وابستگی به اجانب پیش خواهد رفت ولذا ضروری به نظر می رسد که این موضوع مورد بررسی دقیق قرار گرفته تا روشن شود اقتصاد موفق (در سایه دستورات دینی) جامعه موفق را در پیش رو خواهد داشت که حاصل آن خودکفایی و خلق حماسه اقتصادی است.

کلید واژه ها: اقتصاد، اخلاق، حماسه، حماسه اقتصادی

مقدمه	۱
رابطه اخلاق با اقتصاد	۳
برخی عوامل تأثیرگذار بر حماسه اقتصادی	۸
(۱) ایمان	۸
(۲) معرفت	۹
(۳) علم	۱۰
(۴) اخلاق	۱۱
نقش اخلاق در اقتصاد	۱۳
(۱) عدالت اجتماعی	۱۳
برخی معیارهای اقتصادی برای ایجاد عدالت اجتماعی	۱۵
الف) حق برخورداری برابر از منابع و ثروت های عمومی	۱۵
ب) سهم بری بر اساس میزان مشارکت در تولید	۱۶
ج) ممنوعیت انحصار و تمرکز اموال در دست ثروتمندان	۱۶
(۲) ایجاد اعتماد در سرمایه گذاری	۱۷
(۳) کار، خلاقیت، تولید	۱۷
(۴) خودکفایی	۱۹
نتیجه گیری	۲۱
پیشنهاد	۲۲
منابع و مأخذ	۲۳

مقدمه

مقاله پیش رو با عنوان تاثیر اخلاق بر حماسه اقتصادی به بیان رابطه اخلاق با اقتصاد می پردازد. باتوجه به اینکه در دنیای مدرن تمامی ارتباطات و معاملات بر اصل منفعت و سود فراوان پایدار است سوال این است اخلاق چه جایگاهی در اقتصاد امروز دارد؟

جهان امروز در تب و تاب هر روز با سرعت به سوی پیشرفت و ترقی حرکت میکند در این میان افرادی هستند که با تجارتهای کلان سودهای فراوان بدست آورده و هر روز ثروتمند تر از دیروز شده و افرادی روز به روز بر فقر و فلاکتشان افزوده می شود.

رعایت اصول اخلاقی حمایت از هم نوع، سرمایه گذاری بکارگیری نیروهای توانمند و فعال، ایجاد اشتغال برای قشرهای کم در آمد، عدالت اجتماعی، از مواردی هستند که در صورت غفلت از این اصول جامعه به دو طبقه کاملاً جدا و بیگانه از هم (طبقه مرفه، طبقه ضعیف) مبدل خواهد شد.

افراد مرفه بدون درد روز به روز به ثروتشان افزوده می شود و با دادن پولهای ربوی به افراد کم درآمد جهت گذراندن زندگی روزمره شان به سمت و سوی فساد اخلاقی کشیده خواهند شد. اقشار کم درآمد نیز بار دیون باقی مانده و روز به روز به فقرشان افزوده می شود.

روحیه تلاش، کار، خلاقیت و نوآوری را از دست داده دائماً در فکر شغلهای کاذب هستند تا بتوانند چرخه زندگی خود را بچرخانند.

جامعه ای با چنین افراد و روحیه ها به جای تولیدات داخلی به ناچار کالاهای خارجی بی کیفیت و ارزان قیمت را وارد نموده نا امورات مردم بگذرد.

اما اگر اقتصاد کشور بر پایه مبانی دینی و اصول اخلاقی و دستورات قرآن کریم و ائمه اطهار علیهم السلام باشد سرمایه گذاران با ایمان به خدا در سایه تعلیمات دینی و دستورات اخلاقی با اتکا به نیروی کار جوانان با ایمان و خلاق، سرمایه گذاری کرده و کارگران متعهد و متخصص با وجدان کاری و تعهد و انضباط، کارخانه جات را اداره کنند کار و تولید داخلی فراوان، بی کاری و فقر و فلاکت

از جامعه رخت بر بسته و جامعه ی وابسته به بیگانه تبدیل به یک جامعه خودکفا خواهد شد. و اینگونه است که حماسه اقتصادی محقق خواهد شد

لذا در این مقاله علاوه بر بررسی رابطه اقتصاد با اخلاق به برخی از عوامل تاثیرگذار بر حماسه اقتصادی اشاره شده است. در نهایت نقش اخلاق در اقتصاد مورد بررسی قرار گرفته است.

والسلام علی عبادالله الصالحین ۲۵ شهریور ۱۳۹۲ برابر با ۱۱ ذی‌عقده میلاد با سعادت امام رضا

علیه السلام

سادات هاشمی

«رابطه اخلاق با اقتصاد»

ابتدا به تعاریف لغوی اصطلاحی واژه های اخلاق، حماسه، اقتصاد و حماسه اقتصادی می پردازیم

الف) لغوی

اخلاق: جمع خُلُق به معنای خوبی^۱، طبع^۲

حماسه: دلیری کردن، شجاعت، دلاوری^۳

اقتصاد: میانه راه رفتن، میانه روی در هر کار، تعادل در دخل و خرج^۴

ب) اصطلاحی

اخلاق: ملکه نفسانی که مقتضای صدور افعال به راحتی بدون نیاز به فکر و اندیشه است.^۵

حماسه: حماسه در اصطلاح دو معنا دارد:

نخست به آثار و اشعار ادبی گفته می شود که دارای ویژگی های مشترکی هستند از جمله اینکه همگی دارای یک قهرمان ملی و قومی هستند، قهرمان حادثه شخصیت فوق العاده دارد که امور خارق العاده را به انجام رسانیده و در راه رسیدن به هدف ملی و قومی خود از تلاش فروگذار نمی کند.

حماسه در معنای دوم؛ به معنای خود وقایع و اتفاقاتی است که بسیار تاثیر گذار بوده و سرشار از شهامت ها و دلاوری هایی بسیار باشد. ضمن آنکه روح بشریت را به جوشش درآورد و تکان دهنده باشد و در راه بیدار کردن روح انسان موثر باشد.^۶

گاهی حماسه به معنای شدت صلابت است و گاه به معنای شجاعت استعمال می شود.^۱

^۱ مهشید مشیری، فرهنگ زبان فارسی الفبای قیاسی ص ۴۰۳

^۲ لوسین، معلوف، المنجد، ترجمه احمد سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین - ج ۲ - واژه خ

^۳ علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، واژه حماسه

^۴ مهشید، مشیری، فرهنگ بان فارسی الفبای قیاسی ص ۸۳

^۵ ملا احمد نراقی، معراج السعاده ص ۱۲۰

^۶ مرتضی، مطهری، حماسه حسینی، ج ۱ ص ۱۱۵ و ۱۱۶

اقتصاد: یکی از رشته های علوم اجتماعی است که در باب کیفیت فعالیت مربوط به دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر و اصول قوانین که بر امور مذکور حکومت می کند و وسایلی که باید در عمل با توجه به مقتضیات زمان و مکان اتخاذ شود تا موجبات سعادت و ترقی جامعه و رفاه و آسایش افراد آن تأمین گردد بحث می کند.^۱ حماسه اقتصادی: حرکت جهشی و مجاهدانه برای رشد و توسعه اقتصادی است. در حقیقت یک تلاش و عزم همه جانبه فعالان اقتصادیاغ از بخش خصوصی و دولتی، خانواده ها و سیاستگذاران اقتصادی کشور برای حفظ سطح وضعیت اقتصادی و پایدارسازی شرایط اقتصادی کشور می باشد^۲

کار تولید امری صرفاً مادی نیست بلکه عبادتی بزرگ و دارای ارزش ذاتی است. کار و تلاش با اخلاق و دینداری رابطه متقابل دارد. کار بستر مناسب برای رشد فضیلت‌های اخلاقی و یاور انسان در دینداری است و در مقابل گزاره های اخلاقی و آموزه های دینی مشوق و زمینه ساز کار بیشتر است.^۳

اقتصاد اسلامی مبتنی بر جهان بینی توحیدی است. در جهان بینی توحیدی، هدف ارزشهای اعتقادی و اخلاقی در گام نخست بازسازی و تکامل روحی انسان و تهذیب نفس اوست. ارزشهای مبتنی بر جهان بینی دینی تاثیر تعیین کننده ای در پیشرفت اقتصادی افراد و جوامع دارد.

نکته مهم در این امور این است که اعتقاد به تاثیر معنویات بر اقتصاد هرگز به معنای نفی یا تضعیف نقش اسباب مادی نیست، بلکه مقصود این است که در کنار عناصر مادی مانند: سرمایه، تکنولوژی، و نیروهای کار ماهر عوامل معنوی مانند اعتقادات دینی صحیح و اخلاق و اعمال نیک نیز در رشد اقتصاد مؤثر است.^۴

اخلاق اقتصادی بخشی از آموزه های اسلامی است که از یک سو مؤلفه های رشد و توسعه ی اقتصادی و رفاه عمومی را ارائه می کند و از سوی دیگر شیوه ها و عناصر مقابله با مفساد و سالم سازی فعالیت های اقتصادی را بر می نماید و بستر لازم را برای رشد معنوی و سعادت ابدی انسان نیز فراهم می سازد.^۵

^۱ همان ص ۱۱۳

^۲ یوسف، قرضاوی، نقش ارزشها و اخلاق در ارتباط با اقتصاد اسلامی، ترجمه عبدالغدير سلیمی، ص ۷

^۳ شبکه اطلاع رسانی تولید و تجارت ایران- مهدی فتح الله

^۴ یوسف، قرضاوی، نقش ارزشها و اخلاق در ارتباط با اقتصاد اسلامی، ترجمه عبدالغدير سلیمی، ص ۷

^۵ محمد واعظ زاده، خراسانی، اهمیت و ضرورت بحث های اقتصاد اسلامی، مجموعه مقالات فارسی، ص ۱۷ بنیاد پژوهشهای اسلامی

^۶ همان ص ۱۷

ارتباط ارزشها و ضد ارزشها با رشد و رکود اقتصادی کاملا روشن و ملموس است برای نمونه قرآن کریم تقوای جمعی ملتها را عامل رشد و رفاه اقتصادی، و تقوای فردی را عامل فزونی روزی و خلاصی از مشکلات می داند.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ أٰمَنُوا وَالتَّقَوٰا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ^۱

اگر مردم شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند به یقین برکاتی از آسمان و زمین بز آنها نازل می کردیم.

در تفسیر نور در مورد برکات در آیه فوق چنین آمده:

برکات جمع برکت، به موهبت های ثابت و پایدار گفته می شود که در مقابل چیزهای گذرا است. در معنای برکت، کثرت، خیر و افزایش وجود دارد و برکات شامل برکت های مادی و معنوی می شود. مانند برکت در عمر، دارایی، علم و...^۲

از این آیه استفاده می شود که باید اکثریت جامعه اهل ایمان و تقوی باشند تا شمول الطاف و برکات شوند و نیز می توان استفاده کرد که سرمایه گذاری روی فرهنگ معنوی جامعه، بازده اقتصادی هم دارد.^۳

در جای دیگر خداوند در قرآن کریم می فرماید:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ^۴

و هرکس خدا ترس شود خدا راه بیرون شدن از گناهان را بر او می گشاید و از جایی که گمان نبرد به او روزی عطا کند.

تقوا در حقیقت همان تعهد درونی بر انجام دادن وظایف و ترک کردن محارم الهی است و تحقق تقوای اقتصادی به برکت آلودگیهایی مانند: هواپرستی، خیانتف احتکار، دروغ و... و تقویت ارزشها مانند: احساس مسئولیت، صبر، نظم، وجدان کاری و... منوط است که از عناصر مهم دستیابی به رشد و رفاه اقتصادی هستند.

^۱ اعراف/۷

^۲ محسن، قرائتی، تفسیر نور، سوره اعراف/۷

^۳ همان

^۴ طلاق/۳

در جامعه ای که افراد آن بی قید و شرط پیروی نفس اماره و هوای نفسانی خود را نمایند در واقع نفس اماره خود را معبود خود بدانند- خداوند هم آنها را هیچگونه مددی نکرده و به خودشان وا می گذارد. چنین افرادی با خیانت، احتکار اجناس مورد نیاز مردم، وارد کردن کالاهای بی کیفیت جهت سود بیشتر و... باعث ایجاد تورم در اقتصاد شده و به این ترتیب دامن خود را آلوده به گناه نموده و جامعه را دچار فقر و فلاکت، بی کاری، وابسته به اجانب می نماید. قرآن در مورد این افراد می فرماید:

أَفْرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ الْهَوَا، وَ أَضْلَهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً^۱

(ای رسول ما) می نگری آنکس را که هوای نفسش را خدای خود قرار داده و خدا او را (پس از اتمام حجت) گمراه ساخته و مهر بر گوش و دل نهاده و در چشم وی پرده ظلمت کشیده.

چنین افرادی چشم هایشان کور، گوشه‌هایشان کر، که نه فلاکت جامعه را می بینند نه صدای ناله های مردم را که در حال خرد شدن زیر دنده های فقر است می شنوند. بیکاری و فقر علاوه بر رکود اقتصادی آثار مخربی نیز بر پیکر جامعه وارد می کند و زمینه بروز مفاصد اخلاقی و اجتماعی و سلب نشاط از زندگی را فراهم می سازد.^۲

در مقابل این افراد انسانهای با تقوی هستند، به نص قرآن کریم کسانی که با تقوی، پرهیزگار باشند و آن هنگام که نفس اماره و شیطان به سراغشان بیاید به یاد خدا هستند و واقعا پناهنده به خدا می شوند قطعی ست که خدا آنها را از مهلکه نجات می دهد و از شر نفس اماره و شیطان حفظ می کند.

إِنَّ الَّذِينَ تَقَوَّوْا إِذَا مَسَّهُمْ خَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ^۳

چون اهل تقوا را از شیطان وسوسه و خیالی به دل فرا رسد هماندم خدا را بیاد آورند و همان لحظه بصیرت و بینائی پیدا کنند.

در چنین جامعه ای که افراد آن خود را همیشه در محضر خدا بدانند و خدا را ناظر بر اعمال خود ببینند (إِنَّ رَبَّكَ الْمُرْصِدُ^۴) دیگر اسیر هوای نفس نیستند، افراد در مقابل هم احساس مسئولیت نموده

^۱جائیه ۲۳

^۲جواد، ایرانی، مقاله اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۱۴، ص ۱۲۰

^۳اعراف/ ۲۰۱

^۴فجر/ ۴

و با پیروی از دستورات قران و تأسی بر سنت رسول خدا که فرمودند: اگر مسلمانی شب سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد مسلمان نیست.^۱

به کمک و مدد هممنوع خود برخاسته با سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال و جذب نیروی کار خلاق و متعهد پرداخته و سعی می کند با ایمان به خدا با صداقت و درستکاری به تولید داخلی کمک نموده و جامعه را از فقر و فلاکت و وابستگی به اجانب نجات دهند با این نگرش دینی یقیناً حماسه اقتصادی تحقق خواهد یافت.^۲

^۱ نوری، حسین محمدین محمد، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۸، ص ۴۲۹، حدیث ۹۸۹۷

^۲ محقق

برخی عوامل تأثیر گذار بر حماسه اقتصادی

در این فصل به صورت مختصر به برخی از عوامل موثر در حماسه اقتصادی اشاره می شود.

(۱) ایمان

باتوجه به اینکه خداوند متعال انسان و جهان را بیپهوده نیافریده است^۱؛ انسان با ایمان می داند گرچه در این دنیا زندگی می کند اما برای این دنیا افریده نشده است تا هدف خویش را از زندگی بهره برداری از امکانات مادی دنیا قرار دهد فرد با ایمان می داند که جهان محل آزمایش است و همه امور جهان بازگشت به خدا دارد *إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ*^۲، و در جهان هستی علل غیرمادی وجود دارد که با فرمانبرداری از خدای متعال موجب افزایش اقتصادی افراد می گردد. به یقین رفتارهای اقتصادی که از چنین انسانی در حوزه، تولید، توزیع و مصرف بروز می کند بسیار متفاوت از رفتارهای اقتصادی انسانی خواهد بود که جهان را چنین نمی بیند و فقط به بعد مادی و طبیعی آن چشم دوخته است. انسان مؤمن دنیا را محل کشت محصول و جهان آخرت را محل برداشت آن می داند و عمل او تخم محصولی است که در دنیا کاشته می شود و بهشت محصول و سودی است که به انسان می رسد و سود و زیان در نظر او معنا و مفهوم دیگری پیدا می کند. چه بسا فرد مؤمن در صحنه فعالیت اقتصادی ممکن است مواجه با زیانی شود اما به رغم آن جامعه سود برده و موجبات خشنودی آحاد مردم را فراهم نموده وی در یک برابری بین سود آخرتی و زیان مادی دنیایی سود فراوانی برده و خود را سودمند می بیند. انسان در پرتوی چنین باورهایی چه بسا از لذت های زود گذر مادی صرف نظر می کند و با ایثار و فداکاری، مصالح جامعه را بر مصالح فردی خود ترجیح می دهد. انسان مؤمن به خداوند در هر فعلی بلکه هر نیتی هدف غایی را در نظر می گیرد که همان عبادت خداست، و در ساحت فعالیت های اقتصادی هیچگاه هدف از تلاش اقتصادی را رفاه مادی که خلاف دستورات الهی باشد قرار نمی دهد^۳.

^۱فرآن/ذازیات/۵۶

^۲بقره/۱۵۶

^۳مبانی فلسفه نظام اقتصادی از دیدگاه امام علی علیه السلام

حاصل ایمان عبارتست از اخلاق کاری صحیح، معاملات درست، تولید مفید و کارا، پرهیز از اسراف و تبذیر، عدالت در فعالیت های اقتصادی که به دنبال آن اقتصادی پویا و بالنده بوجود می آید و بی ثباتی درونی اقتصاد از بین خواهد رفت؛^۱ و این همان حماسه اقتصادی است.

۲) معرفت دینی

به طور کلی رفتار بشر بر اساس شناخت و معرفت شکل می گیرد و روابط او با دنیا و سایر انسانها و جوامع به چگونگی شناخت او از طبیعت و جامعه بستگی دارد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَلْكَمَالُ كُلُّ كَمَالٍ، التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ^۲

امام باقر علیه السلام فرمودند: برترین مراحل کمال فهم دین، پایداری در سختی ها و سنجش درست در امور اقتصادی است.

در نگرش اسلامی کسب شناخت، معرفت و آگاهی مصون از خطا، ارتباط مستقیم با تقوا الهی دارد از آنجا که صفت پرهیزکاری در زمینه فعل و عمل آدمی تحقق می یابد می توان گفت که کیفیت عمل انسان نیز در شفافیت شناخت او موثر است.

قرآن کریم می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا^۳

ای کسانی که ایمان آورده اید اگر تقوی پیشه کنید، خداوند قدرت تمیز حق از باطل را به شما عطا می کند. به این ترتیب در بینش دینی، فعل اختیاری و آگاهانه آدمی در شناخت و معرفت عقلانی وی تأثیر اساسی دارد. معرفت شناسی اسلامی با وجود خدا آغاز می شود. موجود به عنوان تجلی آن وجود مطلق تلقی می گردد. انسان دینی همه چیز را تجلی ذات خدای واحد می داند سپس در قوس نزولی به موجودات امکانی می رسد و دگر بار در قوس صعودی به وجود مطلق ختم می گردد.

قرآن کریم این رفت و بازگشت را به إِنَّ اللَّهَ وَإِنَّا لَإِلَيْهِ رَاجِعُونَ^۴ ترسیم می کند و لازمه این شناخت و آگاهی معرفت، نفی خودخواهی هاست.

در معرفت دینی محوریت با خداست و این محوریت منافی محوریت انسان نیست بلکه انسان دینی با نگرش عبادانه به گرد کمال مطلق الهی، خود محور نخواهد بود.^۱

^۱ باقر، الحسنی و عباس میرآخور، ویژگی های نظام اقتصادی اسلامی، مؤسسه بانکداری ایران، ص ۸۳

^۲ محمد بن یعقوب، کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۹

^۳ انفال/ ۲۷

^۴ بقره/ ۱۵۶

اگر معرفت دینی باشد این دیدگاه انسان را دارای عقل جامع می داند که از همه انواع عقلانیت برخوردار است شخص پیش از آنکه به ابزارها بیندیشد عقلانیت اهداف را مورد توجه قرار می دهد عنان اختیار امیال خویش را به عقل سلیم جامع نگر می سپرد، عدالت را هدف والای اجتماعی خویش می داند احکام عقل عملی و قوانین شرعی الهی را حاکم رفتار خویش می داند و در این چارچوب در پی منافع مشروع خویش است در این صورت گزاف نخواهد بود اگر ادعا کنیم که ماهیت دیدگاهها و تحلیلها ی اقتصاد متعارف باید از اساس دگرگون گردد، چنانکه متفکران متأخر جهان غرب نیز با رسیدن به بن بست مدرنیته منفصل از خدا به نوعی اندیشه بازگشت به متون دینی را در سر می پروراند.^۲

بنابراین معرفت دینی از عوامل تأثیر گذار بر تحقق حماسه سیاسی خواهد بود.

۳) علم

یکی از ارزشهای اسلامی در قرآن علم و دانش است هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون آیا دانایان با نادانان باهم برابرند؟ آیا کسانی که در تحصیل فضایل و آگاهی های مفید و مؤثر در کمال خویش دارند گام بر می دارند با گروهی که دنبال این فضایل نیستند برابرند؟^۳

بشر در طول حیات خود همواره برای تعالی خویش اقدام به دانش اندوزی و تحقیقات نموده است؛ نقش علم و تحقیقات بعنوان عامل مؤثر در رشد و توسعه اقتصادی، مورد اتفاق نظر کلیه علمای علم اقتصاد است.

علم و دانش چنان از نظر اسلام با اهمیت است که از شروط زمامداری و مدیریت دانسته شده.

إِنَّ اللَّهَ قَدَبَعَثَ لَكُم طَالُوتَ مَلَكًا وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ^۴

خداوند طالوت را بعنوان زمامدار برای شما برگزیده و علم و قدرت جسمی او را وسعت بخشید.

علم و دانش که در یک جامعه شکل می گیرد بخش مهم از سرمایه فرهنگی آن جامعه را تشکیل می دهد این دانش همچنان هنجارهای فکری جامعه را تعیین می کند . تصمیم گیری ها بر اساس این

^۱ موسی، غنی نژاد اهدی، معرفت شناسی اقتصاد، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی توسعه ۱۳۷۶

^۲ مریم، صانع پور، درآمدی به تأثیر معرفت شناسی دینی بر علم اقتصاد، دانشگاه امام صادق، ص ۵

^۳ زمر/ ۹

^۴ بقره/ ۲۴۷

هنجارها صورت می گیرد و از مهم ترین کارکردهای علم ایجاد اعتقاد نسبت به مسائل عینی است و عقل آگاهانه و همراه با اعتقاد بسیار پر قدرت و مؤثر خواهد بود.^۱

در قرآن کریم علم هدف شمرده نشده است بلکه وسیله ای برای رشد و هدایت و رسیدن به مقصد است.

۴) اخلاق

از کارآمدترین ایده های اسلام امیختن ارزشهای اخلاقی با اقتصاد با هدف تأمین رفاه مادی و سعادت اخروی انسان است. مراد از اخلاق اقتصادی مجموعه ای از صفات و رفتارها به منظور دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و مطلوب، سالم سازی فعالیت های اقتصادی و مصرف بهینه است و فرد مسلمان در پرتو اعتقادات دینی، خود را ملزم به انجام دادن یا ترک کردن آنها می داند.^۲

هدف نهایی نظام اقتصادی اسلام فراهم کردن زمینه های لازم برای دستیابی افراد به کمال مطلوب است. اسلام اقتصاد را در زندگی بشر دارای اهمیت می داند ولی نه بسان جوامع سرمایه داری که آن را اصل دانسته و تمام فضائل اخلاقی و عواطف انسانی را فدای آن می نماید، بلکه آن را یکی از امور مؤثر در زندگی قرار داده و نقش مهم اخلاق و فضیلت را هم نادیده نگرفته است، در هر شرایطی اولویت را به اخلاق داده است لذا روایات زیادی مسلمانان را به اصلاح کار و معیشت یکدیگر موظف نموده و توانگران را به دست گیری از فقیران و درماندگان جامعه فرمان داده است و آنها که از این وظیفه مقدس اخلاقی اجتماعی شانه خالی می کنند در اثر دست زدن به راههای زیانبار بازرگانی انحصاری و زیاده طلبی توازن اقتصادی را به خطر می افکنند به شدت تهدید و نکوهش کرده است.^۳

بعنوان نمونه یک روایت در این زمینه را به اختصار بیان می کنیم.

کلینی از سماعه روایت کرده که گفت: از امام صادق علیه السلام سوال کردم گروهی سیرند و اضافه بر لوازم و مخارج خود ثروتی گرد آورده اند در حالیکه برادران مسلمان شان به شدت محتاجند و زکات هم برای آنها کفاف نمی دهد. آیا رواست که آنها سیر باشند در حالیکه برادرانشان در این روزگار سخت گرسنه هستند؟

امام فرمودند: مسلمان برادر مسلمان است نباید به او ستم کند و نباید او را تنها بگذارد و خوار نماید (نسبت به وضع او بی تفاوت باشد) نباید او را محروم کند پس بر مسلمانان که در برابری و

^۱ محمد، هادیان، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، مجله پژوهش، بهار تابستان ۱۳۸۲، شماره ۳، ص ۱۰۰

^۲ ناصر، مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۱۶

^۳ داوود الهامی، درسهایی از مکتب اسلام، سال ۷۶، شماره ۳

برادری با هم کوشا باشند و در کمک و رسیدگی به هم و به پا خواستن به یاری حاجتمندان اهتمام بورزند و طبق فرمان خدا نسبت به هم مهربان باشند^۱.

رعایت اخلاق می تواند جامعه را متحول کند از فرو رفتن در فقر و فلاکت و فساد اخلاقی که گاهی نتیجه فقر است، نجات دهد و این خود عامل مؤثری در تحقق حماسه اقتصادی است.

^۱ رک، محمد بن یعقوب، کلینی، فروع کافی، ج ۱، ص ۱۷۶

نقش اخلاق در اقتصاد

از مطالبی که بیان نمودیم می‌توانیم به این مطلب برسیم که اخلاق در اقتصاد و حماسه اقتصادی تأثیر بسزایی دارد اکنون به صورت مختصر به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم.

(۱) ایجاد عدالت اجتماعی

خواجه نصیرالدین طوسی یکی از علمای برجسته شیعه عدالت اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کند؛ عدالت به منزله قلب اقتصاد است و سایر مسایل اقتصادی اندام و اعضای فرعی می‌باشد. بنابراین اگر در یک جامعه استثمار انسان از انسان دیگری به هر شکل آن وجود داشته باشد اقتصاد آن جامعه به بیماری قلب مبتلاست و اگر این استثمار شدت یابد قلب اقتصاد نیز متوقف خواهد شد و اقتصاد جامعه از پای در خواهد آمد.^۱

شهید مطهری عدالت اجتماعی را به معنای رعایت مساوات در جعل و اجرای قانون می‌داند به نحوی که قانون برای همه امکانات مساوی برای پیشرفت و استفاده و سیر مدارج ترقی قائل شود و برای افراد به بهانه‌های غیرطبیعی مانع ایجاد نکند. به عبارت دیگر عدالت اجتماعی عبارتست از ایجاد شرایط برای همه بطوریکسان و رفع موانع برای همه بطور یکسان.^۲

خداوند در آیات قرآن بر این نکته تأکید دارد که نظام تکوین و تشریح بر مدار عدالت است براین اساس نه تنها خداوند عادل است هیچگونه ظلم و ستمی روا نمی‌دارد و آن الله لیسَ بِظُلْمٍ لِلْعَبِيدِ^۳ همانا خداوند هرگز در حق بندگان خویش ستمی نخواهد کرد، بلکه هیچ ظلمی را در هیچ جایی بر نمی‌تابد. از این رو خود، نظام تشریح و قانونگذاری را به گونه‌ای سامان داده که عدالت در آن، اصل بنیادین حاکم است و به همه اصول دیگر حکومت می‌کند.

^۱ خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، ص ۶۲

^۲ مرتضی، مطهری، بررسی اجمالی مانی اقتصاد اسلامی، انتشارات حکمت، ۱۴۰۳، ص ۱۵۳

^۳ آل عمران/ ۱۸۲

از نظر اسلام عدالت اقتصادی بسیار مهم است زیرا اقتصاد مایه قوام جامعه است^۱ و هرگونه اختلال و ظلم در نظام اقتصادی به معنای فروپاشی جامعه و بحران در آنست.

در منظر اسلام جامعه می بایست به گونه ای سامان یابد که جریان سالم اقتصادی همه افراد جامعه را تحت پوشش قرار دهد و اینگونه نباشد که برخی از انسانها از مواهب اقتصادی و آسایش و رفاه بی بهره باشند و تنها شماری از آنها بعنوان سرمایه داران و ثروتمندان از مواهب و نعمت های الهی بهرمنند باشند.

خداوند حکیم برای تحقق عدالت اقتصادی و فراگیر شدن بهره مندی همه اقشار جامعه از ثروت با بیان احکام و دستوراتی بر آنست که تا این هدف مهم برآورده شود در اینجا به صورت مختصر این دستورات را بیان می کنیم و شرح و توضیح آن در گنجایش این مقاله نیست.

قرآن کریم در سوره حشر مواردی را بیان می کند:

۱- ممنوعیت انحصار و تمرکز اموال در دست ثروتمندان^۲

۲- ممنوعیت خارج کردن نقدینگی از دسترس عموم^۳

۳- ممنوعیت بهره هاری ربوی^۴

۴- ممنوعیت کم فروشی، گران فروشی، احتکار، اسراف و تبذیر^۵

و صدقه، انفاق، زکات، خمس، وقف را شیوه های اسلامی برای تعدیل اقتصاد و ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه و گردش ثروت در دست همه افراد است.^۶

نکته قابل توجه برای انسانی که خواهان ایجاد عدالت اجتماعی می باشد این است که اولین گام در تحقق عدالت، عدم پیروی از هوای نفس و تأکید بر جهاد و ایثار است اگر همه مردم بر جهاد تأکید کند، عدالت محقق می شود.^۷

نشانه یک جامعه اخلاقی بالا بودن سطح عدالت اقتصادی است.

^۱ نساء/ ۵

^۲ حشر/ ۷

^۳ توبه/ ۲۴

^۴ بقره/ ۲۷۵-۲۷۶

^۵ انعام/ ۱۴۱، اعراف/ ۳۱

^۶ خلیل، منصوری، مقاله ابزارهای تحقق عدالت اقتصادی از منظر قرآن، اردیبهشت ۹۲، ص ۴

^۷ عارف، خطیبی، سلسه مباحث قرآن و اقتصاد، بینات، مطلب سوم

بالا بردن سطح رفاه عامه مردم، فقر زدائی، کاهش اختلافات طبقاتی و در نهایت عدالت اجتماعی یکی از ارمانهای متعالی هر جامعه ای می باشد و جامعه را به سمت رشد و توسعه اقتصادی سوق می دهد.^۱

"برخی از معیارهای اقتصادی برای ایجاد عدالت اجتماعی"

برای تعیین معیارهای اقتصادی و برای ایجاد عدالت اجتماعی راه مستقیم ان با مراجعه به آیات روایات است که به چند مورد اشاره می کنیم.

الف) حق برخورداری برابر از منافع و ثروتهای عمومی:

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان بیان فرمودند که اصل محوری در بهره برداری از ثروتها آن است که همه ی ثروتها برای مردم است.^۲

در این زمینه روایات زیادی وجود دارد که از جمله می توان به این روایت حضرت علی علیه السلام اشاره کرد؛ حضرت فرمودند: لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَإِنَّ الْمَالَ لِلَّهِ^۳

اگر این اموال از ملک شخصی خودم بود به طور یکسان تقسیم می کردم تا چه رسد به اینکه اینها مال خدا و مربوط به همه مردم است.

برابری از مهم ترین ابعاد و بلکه اصلی ترین معنای عدالت است که همه افراد صرف نظر از ملیت جنس، نژاد، مذهب، در ازای کار انجام شده از حق برابر به منظور استفاده از نعمت های مادی و معنوی موجود در جامعه برخوردار باشند.

بر این اساس این رویکرد به عدالت، توزیع امکانات و مواهب اولیه از جمله آموزش، تخصص دسترسی به علم و فرهنگ و امکانات کسب توانمندی های فردی و اجتماعی به صورتی خواهد بود که رشک، قاعده فراگیر در نگاه افراد به دیگر اعضای جامعه نخواهد بود.^۴

ب) سهم بری بر اساس میزان مشارکت در تولید:

^۱ محمدجواد، حیدری، توزیع درآمد در اقتصاد ایران و راهکارهای بهبود آن، هفته نامه آتیه، شماره ۶۵۲، اسفند ۸۶، ص ۹

^۲ محمدحسین، طباطبائی، المیزان فی التفسیر القرآن، ص ۱۷۱

^۳ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶، به نقل از نهج البلاغه شرح صبحی صالح، ص ۱۸۳

^۴ حسن، زیبایی، ارزیابی سهم عوامل تعیین کننده نابرابری و توزیع درآمد ایران، مجله برنامه و بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی

کشور، شماره ۹۱، خرداد-تیر ۸۴، ص ۵۱

بر اساس این مطلب در اسلام هرکس کار نیکو انجام دهد پاداش او ضایع نمی شود اِنَا لِأَيُّضِيعُ أَجْرَمِنْ أَحْسَنِ عَمَلًا^۱

باتوجه به اینکه عدالت در این سیستم بر اساس حق سنجیده می شود و یک امر واقعی و تکوینی است بر اساس سلیقه یا تصویب قانونی نیست. عملکرد افراد در سیستم ارزش گذاری اسلامی بر اساس وزن و ارزشی است که بطور واقعی و حقیقی کسب می شود، اگرکل جامعه جمع شوند که حقی را ناحق کنند در دادگاه عدل الهی وزن و اعتباری ندارد. برای مثال با تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان نمی توان ارزش افزوده یک عامل تولید کننده را نادیده گرفت و به حساب دیگری گذاشت البته این نوع تصمیم گیری یک راه حل قانونی است اما لزوماً راه حل شرعی نیست. علت این نتیجه گیری این است که عدم رعایت مبنای حق و عدل باعث فساد در زمین می گردد^۲.

علامه جعفری با استناد به آیه وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مَفْسِدِينَ^۳ «واشیاء مردم را بی ارزش نکنید و در زمین فساد نکنید» می فرماید: کار و تلاش مفید و ارزشهایی را که بوسیله یک فرد یا یک گروه بوجود آمده فقط و فقط باید به حساب خود بوجود آورنده یا بوجود آورنده گان آنها منظور کرد و هرگز به حساب دیگران گذاشته نشود^۴.

بنابراین از دیدگاه اسلام در چارچوب حقوق مالکیت شروع فعالیت اقتصادی آزاد، و محصول فعالیت هرکس به خود او باز می گردد. برنامه اسلامی در این زمینه تقویت روحیه انصاف و اکتساب مبتنی بر حق در بازار اسلامی می باشد.

ج) ممنوعیت انحصار و تمرکز اموال در دست ثروتمندان و نااهلان:

اموال برای استفاد عموم در اختیار گذاشته شده اند به همین جهت نباید فقط در میان ثروتمندان به گردش درآید. در آیه ۷ سوره حشر به آن اشاره شده که هدف از تعلق فیء در اختیار امام همین مبنا دانسته شده که: کی لایکون دوله بین الاغنیاء منکم....

در این خصوص امام صادق علیه السلام می فرمایند: مایه بقاء مسلمانان و بقای اسلام این است که اموال و ثروتها در نزد کسانی باشد که می دانند حق و میزان درست در کار مال و مالدار چيست و همواره با ان ثروت، کار خیر می کنند و برای خود انباشته نمی کنند و زر اندوزی ندارند و مایه فنای

^۱کَهِف/ ۳۰

^۲دفتر همکاری حوزه دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، شاخصه های عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی و بررسی تطبیقی آنها در

اقتصاد تیران، انتشارات مؤسسه راه حق ۱۳۶۳

^۳هود/ ۸۵

^۴محمدتقی، جعفری، کار و ثروت در اسلام، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۱

اسلام و مسلمانان این است که ثروت در دست کسانی قرار گیرد که حق تملک آن را نمی دانند و با آن کار خیر نمی کنند و حق مال را نمی پردازند.^۱

۲) ایجاد اعتماد در سرمایه گذاری:

باتوجه به اینکه در همه اقتصادها اطلاعات می تواند نامتقارن باشد نقش اخلاق در جهت عدم ایجاد فرصت طلبی و در نتیجه تحصیل کار آمد منابع بسیار اهمیت خواهد یافت و از اینجا نقش اخلاق در عملکرد اقتصادی موضوعیت پیدا می کند.

نشانه یک جامعه اخلاقی در این مفهوم جامعه ای خواهد بود که اعتماد بازیگران اقتصادی بالا بوده و آن چیزی است که از آن تحت عنوان سرمایه اجتماعی یاد می گردد. از این منظر سرمایه اجتماعی به منزله چسبی است که افراد یک جامعه را به یکدیگر متصل می کند و بهره وری سرمایه های فیزیکی و انسانی را افزایش می دهد.

مهم ترین تعامل در یک نظام اقتصادی تعاملی است که بین دولت ها و مردم جامعه قرار می گیرد این از آن جهت اهمیت دارد که این تعامل تبیین کننده اصل توسعه یافتگی یا عدم توسعه یافتگی یک نظام اقتصادی است.^۲

بطور معمول سیاست گذاران از اطلاعات بیشتری در مقایسه با مردم جامعه برخوردار بوده و این امر در نظام های اقتصادی کمتر توسعه یافته، به دلیل نهادهای گسترش دهنده اطلاعات از جمله یک بازار کار آمد و نهادهای اطلاع رسانی تشدید خواهد شد و نتیجه چنین نظام اقتصادی بسته به میزان عدم تقارن اطلاعات، سیاست گذاران یا دولت مردان در معرض آزمون های اخلاقی بیشتری قرار خواهد گرفت حال در این زمینه دو امکان وجود دارد. چنانچه سیاست گذاران از این فرصت ایجاد شده بدون در نظر گرفتن قید اخلاقی در جهت منافع فردی و گروهی بهره گیرند این امر موجب تشدید ناکارآمدی تخصیص منافع در این جوامع خواهد شد. چنانچه رفتار اخلاقی را در پیش گیرد شرایطی برای بهبود تخصیص منافع فراهم خواهد گردید.^۳

۳) کار، خلاقیت، تولید:

از دیگر اموری که می توان در مورد تأثیر اخلاق در اقتصاد نام برد رشد کار، خلاقیت، و تولید است.

^۱ حرعالمی، وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۲۱

^۲ جواد ایروانی، مقاله اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، شماره ۱۴، ص ۱۲۰

^۳ همان

انسان با جهان بینی الهی و ایمان به خدا و هدفمندی هستی کار و تلاش انسانی را معنا می دهد و بر این باور است که کار و تولید او می بایست در راستای هدفی بلند و کمالی آرمانی باشد، و با اندیشه عمل خود تغییرات و تحولاتی را در ماده بوجود می آورد تا به شکل بهتر و آسانتر از آن برای آسایش بهره گیرد.

اندیشه خلاق انسانی به او این امکان را می دهد تا از منابع خام و ماده محصولات فرآورده هایی را داشته باشد که زندگی او را آسانتر و بهتر کند. اما باید توجه داشت آنچه این تولیدات خدمات کیفی و کمی را معنا می بخشد آرمانهای متعالی و بلند است که در پس این کار و فکر و تولید نهفته است. اگر انسانها تنها در اندیشه تولید بیشتر و بهتر باشند و رشد اقتصادی را در بهتر و بیشتر شدن کالا و خدمات بدانند، گرفتار نوعی دنیا زدگی می شوند و این دنیا زدگی موجب می شود تا در یک چرخه ی دور گرفتار آیند و به استعمار، استثمار، ظلم، فخر فروشی نسبت به یکدیگر بپردازند و از هدف غایی غافل شوند.

اما هدف بزرگ و متعالی رشد اقتصادی را معنایی دیگر می بخشید و اجازه نمی دهد تا به استثمار و استعمار دیگران بپردازد و از انفاق و کمک مالی به دیگران خود داری کند.^۱

در نظام ارزش گذاری اسلام، کار و تولید نه امری صرفاً مادی بلکه عبادتی بزرگ و دارای ارزش ذاتی است، بدین معنا که کار و تولید صرفاً مقدمه کسب کردن سود و درآمد و یا ضرورتی برای جلوگیری از فقر نیست؛ بلکه نفس کار کردن به سبب آثار مثبت اقتصادی روحی و اخلاقی آن مطلوب است از این رو انسان در عین توانگری و بی نیازی، موظف به کار و تلاش است و ارزش کار و تولید منوط به رعایت اخلاق است.^۲

در نگرش اسلام هدف نهایی انسان تکامل در پرتو نیل به قرب الهی است. در سایه ایمان و اخلاق کاری انگیزه هایی در فرد ایجاد می شود مانند هدفمندی و انگیزه سالم، وجدان کاری که همان گرایش به انجام دادن صحیح کار و وظایف شغلی، بدون نظارت مستقیم است. فرد احساس مسئولیت نموده و تعهد او اقتضا می کند از پذیرش کاری که تخصص و توان آن را ندارد خودداری ورزد تا فرد متخصص و متعهد دیگر کار را بدست گیرد، زیرا در بینش اسلامی <متعهد غیر متخصص> در ردیف متخصص خائن قرار می گیرد.

^۱ محمد رضا، سلامی، مقاله تولید، خلاقیت، کار و حقانیت، عوامل توسعه و رشد اقتصادی پایدار گروه اقتصاد، سایت تبیان، زنجان

^۲ جواد ایروانی، مقاله اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، زمستان ۸۳، شماره ۱۴، ص ۹۵

تقسیم کار بر اساس توانمندی ها و تخصص افراد باعث ایجاد خلاقیت، تولید کار می شود.^۱

۴) خود کفائی:

یکی از موارد دیگر تاثیر اخلاق بر اقتصاد خود کفائی است.

جامعه اسلامی با نیروی کار و تولید فراوان و با اخلاق و اخلاصی که دارد به خود کفائی خواهد رسید. خود کفائی نتیجه کار و تولید و خلاقیت است که جامعه خود کفا منتظر یاری دیگران نیست. همه مسلمانان خود کفائی در سایه ی پروردگار را روزی ۱۰ بار با گفتن اَيَّاكَ نَعْبُدُ وَايَّاكَ نَسْتَعِينُ^۲ با خود مرور می کنند. گویا خداوند خواسته این مفهوم هیچگاه از خاطر مسلمانان پاک نشود و به صورت یک فرهنگ همیشگی درآید.

این آموزه ها مهم در عرصه کلان حکومتی نیز، استقلال اقتصادی و سیاسی کشورها و جوامع مسلمانان را حفظ می کند و از استعمار مستکبران جلوگیری می کند. روشن است که تا وقتی مسلمانان دستار نیازشان را به سوی غیر خود دراز کنند اعتماد به نفس نخواهند یافت و رنگ پیشرفت را نخواهند دید.^۳

امام حسن عسگری علیه السلام فرمودند: تا جایی که می توانی تحمل کن دست نیاز دراز نکن زیرا هر روز روزی ه تازه ای دارد.^۴

گروهی از انصار خدمت رسول خدا شرفیاب شدند و عرضه داشتند ای رسول خدا عملی به ما یاد بده و بهشت را برای ما تضمین فرما. حضرت فرمودند: از هیچکس چیزی نخواهید و درخواستی نکنید. آنها نیز پذیرفتند از آن پس چنین بود که اگر سواره ای تازیانه اش می افتاد خود از مرکب پیاده می شد و آن را برمی داشت. اگر کسی بند کفشش پاره می شد خوش نداشت از کسی بند کفش بخواهد.^۵

در جامعه ای که اقتصاد در آن بر مبانی اخلاق اسلامی باشد کار و تولید زیاد انجام شده که بدین وسیله جامعه از فقر نجات پیدا می کند و به خود کفائی واقعی می رسد. البته روشن است که این مسیر با راحت طلبی، تن پروری، سازگار نیست سختی های فراوانی را در پی خواهد داشت. از یک سو جامعه باید فشارهای حاصل از قطع کالای وارداتی را تحمل کند و طعم زندگی دشوار را به جان خود

^۱ همان

^۲ حمد/ ۵

^۳ مصطفی، بهشتی، مقاله، جهاد خود کفایی، مقدمه جهاد خود کفایی، ص ۲

^۴ محمد باقر، مجلسی، بحار النوار، ج ۵۷، ص ۳۷۸

^۵ جعفر بن محمد حسن، طوسی، امالی، ص ۶۶۴

بخرد از سوی دیگر باید در همه عصرها تلاشی همه جانبه داشته باشد و زندگی راحت و آسایش را بخاطر نتیجه ای بزرگتر و والاتر به کنار بگذارد که این یک قانون کلی و سنتی الهی است.

وَأَنْ لَّيْسَ الْإِنْسَانُ إِلَّا مَسْعَىٰ^۱

دستیابی به خود کفایی اقتصادی نیازمند روحیه ای جهادی و پرتلاش است که همه مسلمانان و مخصوصاً پیروان فرهنگ اهل بیت باید خود را به چنین روحیه ای مسلح نمایند^۲. تا به خلق حماسه اقتصادی برسند.

^۱ نجم/۳۹

^۲ مصطفی، بهشتی، مقاله، جهاد خودکفایی، مقدمه جهاد خودکفایی، ص ۳

نتیجه گیری:

این مقاله با هدف بررسی تأثیر اخلاق بر ایجاد حماسه اقتصادی نتایجی را به دنبال دارد. از جمله نتایج بدست آمده این است که جامعه ی اسلامی با رعایت قوانین و دستورات اخلاقی و تأسی بر سیره پیامبر و ائمه بزرگوار می تواند در زمینه اقتصاد به درجه ای از پیشرفت و ترقی برسد که دیگر متکی به قدرت های غرب و شرق نبوده و با معرفت و ایمان به خداوند متعال قدرت علمی را افزایش داده و دانشمندان متدین و مؤمن را پرورش بدهد و با رعایت اصول اخلاقی وارد عرصه کار و تولید نماید. ثروتمندان و سرمایه گذاران با سرمایه گذاری های کلان با توکل بر خداوند متعال و اعتماد به افراد متخصص و متعهد با تقوا می توانند چرخه های اقتصاد کشور را به حرکت درآورند. با ایجاد اشتغال برای جوانان و تولید انبوه کالاهای مرغوب، جلوگیری از واردات کالاهای بی کیفیت خارجی، و نهایتاً فقر زدایی از جامعه و ایجاد عدالت اجتماعی، حماسه اقتصادی محقق خواهد شد.

به امید آن روز إن شاء الله

پیشنهادها:

باتوجه به اینکه تأثیر اخلاق بر اقتصاد مسأله مهمی است پیشنهاد می شود:

الف) با دقت نظر به اینکه تأثیر اخلاق بر اقتصاد با دلایل محکمی مانند قرآن، سنت، عقل به اثبات رسیده لازم است این مطلب از دل متون بیرون کشیده شود تا با کاربردی کردن آن در عرصه عمل نیز حیاتی دوباره پیدا کند.

ب) بر پژوهشگران لازم است که پژوهشهایی عمیق و وسیع و مستند در این زمینه ارائه دهند.

ج) دولت محترم بعنوان مهم ترین نهاد قانونی، تدوین قوانین اقتصادی با تأثیرپذیری از اخلاق را در دستور کار خود داشته باشند.

د) معرفی الگوهای موفق که در این زمینه کار انجام داده و به نتیجه مطلوب رسیده اند

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه ترجمه سید جعفر شهیدی شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - چاپ اول ۱۳۶۸

- (۱) جعفری، محمدتقی، کار و ثروت در اسلام، انتشارات پیام آزادی ۱۳۷۸
- (۲) حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، انتشارات اسلامی ۱۳۷۶ ق
- (۳) راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، تهران
- (۴) سیاح، احمد، فرهنگ جامع عربی فارسی. ترجمه المنجد، تهران، کتاب فروشی اسلامی ۱۳۷۷.
- (۵) طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی التفسیرالقران - تهران، دارالکتب السلامیه ۱۳۶۱-۱۳۶۲
- (۶) طوسی، جعفر بن محمد حسن، امالی، المكتبه الاهلیه، تحقیق سید صادق بحر العلوم، ۱۳۸۴ ه. ق
- (۷) طوسی، جعفر محمد بن حسن، اخلاق ناصری، انتشارات قدیانی، ۱۳۸۶
- (۸) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب، ۱۳۸۸ ق.
- (۹) کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، تهران، دارالکتب اسلامی ۱۳۶۶.
- (۱۰) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم - طهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی ۱۳۸۵.
- (۱۱) مشیری مهشید، فرهنگ زبان فارسی الفبای قیاسی تهران: سروش انتشارات صدا وسیما .. ۱۳۷۶
- (۱۲) مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، قم، صدرا، ۱۳۷۳
- (۱۳) مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی اقتصاد اسلامی، انتشارات حکمت، ۱۴۰۳
- (۱۴) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، انتشارات اسلامی، ۱۳۱۲ ه. ق
- (۱۵) مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن قم - سرور ۱۳۷۶.

۱۶) نراقی، ملا احمد، معراج السعادة، امیزان، زمستان ۸۸

۱۷) قرضاوی، یوسف، نقش ارزشها و اخلاق در ارتباط با اقتصاد اسلامی، ترجمه عبدالغدير سلیمی

۱۸) قرائتی، محسن، تفسیر نور- تهران مرکز فرهنگی درسهای از قرآن ۱۳۷۵.

مقالات

۱) ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، زمستان ۸۳

۲) الهامی، داوود، درسهای از مکتب اسلام، شماره ۳، سال ۷۶

۳) بهشتی، سید مصطفی، جهاد خودکفایی مقدمه جهاد اقتصادی، شماره ۳، سال ۸۳

۴) حسنی، باقر، عباس میرآخور، مقاله اقتصادی اسلامی، ترجمه حسن گلریز، نشر مؤسسه بانکداری ایران

۵) حقیقی، عارف، سلسله مباحث قرآن و اقتصاد، بینات، مطلب سوم

۶) حیدری، محمد جواد، توزیع درآمد در اقتصاد ایران و راهکارهای بهبود آن، هفته نامه مؤسسه فرهنگی هنری آتیه، شماره ۶۵۲

۷) خلیل، منصور، ابزارهای تحقق عدالت اقتصادی از منظر قرآن، اردیبهشت ۹۲

۸) دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، انتشارات مؤسسه حق، ۱۳۶۳

۹) دولتی، مرضیه، عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی

۱۰) زیبایی، حسن، ارزیابی سهم عوامل تعیین کننده نابرابری و توزیع درآمد در ایران، مجله برنامه و بودجه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، شماره ۹۱، خرداد و تیر، ۸۴

۱۱) سلامی، محمد رضا، مقاله تولید، خلاقیت، کار و حقانیت عوامل توسعه و رشد پایدار گروه اقتصاد، سایت تبیان زنجان

۱۲) صانعی پور، مریم، درآمدی بر تأثیرات معرفت شناسی دینی و علم اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام

۱۳) غنی نژاد اهری، موسی، معرفت شناسی علم اقتصاد، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی توسعه، ۷۶

۱۴) میرآخور، عباس، ویژگی های نظام اقتصادی اسلام، نشر مؤسسه بانکداری اسلامی

۱۵) واعظ زاده خراسانی، محمد، اهمیت و ضرورت بحث اقتصادی اسلامی-مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۹ش

۱۶) هادیان، محمد، مجلات پژوهشی، اهمیت و ضرورت بحث اقتصادی اسلامی، بهارستان، ۱۳۸۲- شماره ۳